

جهاد اسلامی رویکرد بوتری ساز در جنگ‌های آینده

حسین ظریف منش^۱

چکیده:

حق "دفاع از خود" از بدیهی ترین اصول مورد قبول همه اندیشمندان و بلکه همه انسان‌هاست به گونه ای که بسیاری از دانشمندان آن را فطری و ریشه آن را در سرشت آدمی می دانند. در این مقاله دفاع و علل و عوامل آن از منظر اسلام بیان شده و به مفهوم جهاد دفاعی در مقابل هجوم دشمنان در اسلام پرداخته شده است. چون جهاد دفاعی، دفاع از نظام اسلامی در مقابل حملات دشمنان است و آنها نیز با گردآوری تمام قوا در جهت مبارزه با اعتلای کلمه الله می باشند از این روی بیشتر مواقع جنگ به صورت نابرابر اتفاق می افتد. در این مقاله اصول اساسی تحقق پیروزی در جنگ های نابرابر از منظر اسلام بررسی شده است. از: جمله اصول مذکور می توان به ایمان، بصیرت، صبر، صدق، ذکر، توکل، شهادت طلبی، امدادهای غیبی، وحدت کلمه و اتحاد اشاره نمود که مورد بررسی واقع شده است تا ملاکی برای جنگ‌های آینده باشد.

واژگان کلیدی:

جهاد، جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی، دفاع، دفاع مقدس، جنگ نابرابر

۱ - دکتری مدیریت دفاعی و عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)

مقدمه

برخلاف جنگ که درباره طبیعت، منشأ و علل آن اختلاف نظر فراوانی وجود دارد، حق دفاع از خود از بدیهی ترین اصول مورد قبول همه اندیشمندان و بلکه همه انسان‌هاست. به گونه ای که بسیاری از دانشمندان آن را فطری و ریشه آن را در سرشت آدمی می دانند. راغب در مفردات دفاع را بازگرداندن، دور کردن و حمایت کردن معنا کرده است [مفردات راغب ماده دفع]. در حقوق بین الملل دفاع را تدبیری که برای مقاومت در مقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا تکنولوژیکی که توسط یک یا چند کشور مؤتلفه اتخاذ می شود تعریف کرده اند. [سنجایی، ۲۱۳]

امام خمینی (ره) در تحریر الوسيله، دفاع را حمایت کردن مسلمانان از کیان اسلام و سرزمین و قلمرو کشور اسلامی و حفظ امنیت و حراست از جان و مال و ناموس خود در برابر تهاجم دشمنان خارجی و داخلی تعریف می فرماید [تحریرالوسيله، ج ۱، ۴۸۵] دفاع مشروع حق طبیعی هر نظام و ملتی است و به عنوان یک اصل کلی حقوقی در میان ملت ها به رسمیت شناخته شده و مورد احترام است و این حق هم در ادیان الهی و هم از سوی متفکرین و فیلسوفان مورد تأکید قرار گرفته است. ازدیدگاه اسلام دفاع نه تنها یک حق بلکه در بسیاری از موارد تکلیف و واجب است، به گونه ای که عدم انجام آن موجبات مجازات الهی را فراهم می کند. در اسلام دفاع در هر شکل خود واجد ارزش است دفاع از نفس واجب است و هر کس که در موضع دفاع از خویش کشته شود شهید است [وسائل الشیعه، ج ۹۳، ۱]. دفاع از مسلمانان در هر گوشه ای از عالم وظیفه ای است که نه پرداختن به آن مسلمانی فرد را زیر سؤال می برد [وسائل، ج ۱۸، ۵۹۰]

در روایتی آمده است که :

“ للانسان ان يدافع عن نفسه حريمه و ما استطاع و ان قتل دون ذلك كان شهيداً و كان دم المقتول هدرا ”

یعنی : بر انسان است که دفاع کند از جان و عرض خود و مال خود به اندازه ای که توانایی آن را دارد و اگر کشته شود در دفاع از خودش، در زمره شهیدان است و اگر کسی را در دفاع از خودش بکشد خون مهاجم بر او هدر است [اسلام و جهاد امروز، ۱۸۲ - ۱۷۷].

اما دفاع از اسلام و دفاع از نظام اسلامی در همه ابعاد خود اهمیتی عظیم و ارزشی والا دارد که تمامی فقها بر وجوب آن اتفاق نظر دارند. این وجوب آن گونه است که همگان را

شامل می‌شود. پیر و جوان هر دو موظف هستند. و برخلاف جهاد ابتدائی، میان زن و مرد در امر دفاع تفاوتی نیست.

مؤلف رساله بدیعه می‌نویسد: قدر متیقن این است که جهادی که از زنان ساقط است جهاد ابتدایی می‌باشد که برای دعوت کفار به اسلام به عمل می‌آید و اگر نه در سایر اقسام جهاد، منع زنان معلوم نیست بلکه در بعضی انواعش بر زنان واجب است و بعد از کتاب مسالک نقل می‌کند که در آن نوع از جهاد که کفار قصد استیلاء بر بلاد مسلمین و گرفتن اسیر از آنان و اخذ اموال آنان را دارند (جهاد دفاع) جهاد بر زنان نیز واجب است چه، هم به حکم فطری و هم به حکم عقلی، دفع ضرر واجب و حکم شرعی نیز طبق آیات و روایات، جهاد دفاعی را موکول به امر امام نکرده یا منحصر به مردان ندانسته، لذا به نحو وجوب کفایی، بر زنان نیز واجب است

وجوب جهاد بر آحاد مسلمانان و ممنوعیت برخی از رفتارها با توجه به نوع و شکل هجمه تفاوت دارد: ۱- جهاد علیه مشرکان که قصد تسلط بر خون و شرافت مسلمانان را دارند ۲- جهاد علیه گروهی از کفار که بیم استیلای آنان بر مسلمانان می‌رود. ۳- جهاد علیه منافقان. ۴- جهاد علیه گروهی از مسلمانان که با طایفه دیگری از مسلمانان جنگ می‌کنند و به صلح خرسند نیستند ۵- جهاد برای رفع ظلم که از ظالم بر جان و مال و ناموس مردم را تهدید می‌کند. [مقررات جنگ در اسلام، ۲۸۲]

بیان مساله

جهاد (به فتح اول) به نقل از کتاب "مهدب السماء" اسم است و به معنی زمین سخت می‌باشد و به نقل از "منتهی الارب" و "اقرّب الموارد" زمین سخت و همواره و بی‌گیاه و اما واژه جهاد (به کسر اول) مصدر عربی است و به نقل از "ربنجی"، قصدی است که به سوی دشمن کنند برای حرب و به نقل از کتب "مهدب الاسماء" و "منتهی الارب" و "اقرّب الموارد" کارزار کردن با دشمنان در راه خدا است و این معنی اصطلاحی آن است [لغت نامه دهخدا، ج ۱۱۸، ۱۶۹]

در مورد واژه جهاد همچنین گفته اند: اگر ریشه آن را از کلمه جهد به فتح اول بگیریم به معنی مشقت و اگر به ضمه بخوانیم به معنی طاقت است. در "قاموس" و "مفردات" جهد یا جهد به معنی صعوبت و مشقت و کوشش کردن است و در "اقرّب الموارد" به معنی تلاش توأم با رنج و در "صحاح" به معنی طاقت یا سختی آمده است اما در فقه و در معارف

اسلامی جهاد در بذل نفس و مال برای اعلاء کلمه اسلام و اقامه شعائر دین و بذل جان و آنچه بر آن متوقف است مثل مال و ثروت در جنگ با مشرکین و متجاوزین، در راه اعلا کلمه اسلام بر وجه مخصوص تعریف کرده اند. [الظالمی، ۱۳۵۹، ۱۱]

“علامه حلی” می نویسد: مراد از جهاد در کلام فقها و متشرعین، محاربه و جنگ با مشرکین یا طاغین است. با جان و مال و به کیفیت و شرایط مخصوصه... و این چهارمین رکن اسلام است

“امام کاشف الغطاء” جهاد را عمود اسلام نامیده و می گوید:

اگر جهاد نبود اسلام نبود و بعد تعریف می کند که جهاد مکافحه با دشمن و مقاومت با ظلم و فساد در روی زمین است با نفوس و اموال و تضحیه و مفادات حق [اشراق، ۱۴۱]. اندیشمندان اسلامی جهاد را به اعتبار میدان مجاهدت و نوع آن به اقسام مختلف تقسیم کرده اند.

پیامبر اسلام (ص) به رزمندگانی که از جنگ با دشمن باز می گشتند فرمودند: آفرین بر کسانی که جهاد اصغر را انجام دادند، اما هنوز جهاد اکبر بر عهده آنان است پرسیدند، جهاد اکبر چیست؟ فرمودند، جهاد با نفس [وسائل الشیعه، ج ۱۱، ۱۲۲].

امام صادق (ع) در حدیثی جهاد را بر چهار دسته تقسیم می کنند: جهاد با نفس اماره و پرهیز از گناه که بالاترین جهادهاست، جهاد با کفار که در اندیشه مبارزه با مسلمین هستند، جهاد با کسانی که دشمنی عمیق با نشر تعالیم اسلام دارند و جهاد در راه احیای برنامه های دین [غفوری، ۱۳۴۸، ۱۹۲]

نگاهی اجمالی به آیات الهی درباره ی جهاد تبیین کننده بسیاری از ابعاد و زوایای جنگ های نابرابر در اسلام است، جهاد با دشمن را بر اساس یک اجماع نسبتاً همگانی بر دو دسته تقسیم کرده اند جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی.

جهاد ابتدایی جنگ میان حق و باطل و جنگ علیه کسانی است که با استفاده از قدرت نظامی “سداً عن سبیل الله” کرده اند اهداف جهاد ابتدایی را نجات ستم دیدگان از تحت ظلم، رفع موانع دعوت، جلوگیری از عمل منکر و مبارزه با مفسد برشمرده اند. [سبحانی، ۸۵ - ۹۰].

از بین بردن شرک و بت پرستی را از دلایل جهاد ابتدایی دانسته اند.

“شهید مطهری” می نویسد: از نظر اسلام بر پایی جنگ برای از بین بردن شرک و بت پرستی که بزرگ ترین انحراف و انحطاط بشر در وادی جهل و خرافه است مشروع است [مطهری، جهاد، ۵۴].

ضرورت و اهمیت تحقیق

در "شرایع" آمده است که واجب است بر مسلمانان رفتن به سوی کفار حربی و اگر ابتدا جنگ از طرف آنان بود جنگ با ایشان واجب می شود و اگر آنان متعرض جنگ نشوند باز روی آوردن به سوی ایشان برای جهاد واجب است [اشراق، ۵۹]

به طور کلی موارد زیر به عنوان اهداف جنگ های اسلامی ذکر شده است:

- دفاع از جان مردم
 - دفاع از عرض و ناموس مردم
 - دفاع از منابع و استقلال اقتصادی
 - دفاع از استقلال سیاسی
 - دفاع از دین اسلام و مقدسات دینی
 - حمایت از مظلومان تحت سطه ستمگران
 - احقاق حق الهی و برداشتن موانع از سر راه هدایت توده ای ناآگاه
- اما جهاد دفاعی، قسم دیگری از جهاد است که به منظور مقابله با تهاجم دشمن و صیانت خود یا حفظ کیان اسلام و یا پاسداری از نظام و کشور اسلامی صورت می گیرد
- مفهوم دفاع به گونه ای است که حتی قابلیت آن را نیز دارد که جهاد ابتدایی را نیز جزئی از آن به شمار آوریم. استاد "مرتضی مطهری" می گوید: در دیدگاه اسلام، دفاع از حقوق انسانی نه تنها مشروع است، بلکه در مقایسه با حقوق فردی و ملی، از مرتبه ای والاتر و مقدس تر برخوردار است، زیرا ملاک مشروعیت دفاع، داشتن حق است و هر چه حق ارزشمندتر باشد، دفاع از آن نیز ارزشمندتر است بنابراین، روح دفاع در پیکره جنگ و جهاد جاری است. چون جهاد ابتدایی به جهت دفاع از حقوق انسانیت، در حقیقت دفاع است نه تهاجم [مطهری، جهاد، ۴۱]

با توجه به این که حق دفاع از حقوق فطری انسانی است که انسان را زنده می کند و زندگی اش را از گزند دور می سازد [المیزان، ج ۲، ۶۵]، برخی از محققین معتقدند که متفکران و مفسران مسلمان تقریباً همگی برآنند که جهاد در انواع گوناگون قرآنی اش باید زیر عنوان دفاع آورده شود [جتی، ۷۱]، یا با عنوان جنگ دفاعی، چرا که جنگ دفاعی علی الاطلاق جنگی پسندیده و یکی از ضروریات زندگی است. [مطهری، جهاد].. و علی ایحال جنگ ((خواه به عنوان دفاع از مسلمانان یا از اسلام باشد خواه به عنوان جنگی ابتدایی، امری مشروع می شود. [المیزان، ج ۲، ۶۶].

علامه "محمد تقی جعفری" معتقد است: اگر صیانت ذات با اشتراک و وحدت ذات دیگر انسان‌ها در حقوق اساسی سه گانه "حق حیات"، "حق کرامت" و "حق آزادی معقول" به جریان بیفتد، جنگ فقط به عنوان جراحی ضرورت پیدا می کند که برای قطع عضو یا اعضای فاسد در پیکر جامعه بشری قانونی گشته و دفاع یا جهاد مقدس نامیده می شود [جعفری، ۱۷]

سؤال تحقیق

در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که به صورت مستقیم و یا به صورت تلویحی سرانجام قطعی مبارزه مسلمانان با دشمنان را پیروزی اسلام و این نتیجه را تخلف ناپذیر اعلام کرده است.

۱ - سوال این است که چگونه می توان پیروز شد؟ این سوال وقتی به صورت جدی تر مطرح می شود که در دو سوی جبهه توازن و تعادل ظاهری برقرار نباشد. سوال دقیق تر این است که در یک جنگ نابرابر چگونه می توان بر دشمن به ظاهر قوی تر غلبه کرد؟

۲ - آیا می توان از جنگ های صدر اسلام، به اصول و قواعدی برای دسته بندی جنگ های ناهمطراز، تاکتیک ها و راهبردهای آن دست یافت.

ادبیات تحقیق

اشکال و شرایط وجوب جهاد دفاعی را چنین ذکر کرده اند:

دفع خطر از بلاد اسلامی و حوزه اسلام به سبب هجوم کفار و دشمنان اسلام، هرگاه کفار اراده هجوم بر بلاد اسلامی را داشته باشند به طوری که اجتماع اسلام در معرض خطر قرار گیرد دفاع بر همه واجب است [کشف الغطا، ۳۸۱].

دفع و بیرون راندن کفار از بلاد اسلامی: در صورتی که کفار بر بلاد اسلامی مسلط شده باشند دفاع بر همه مسلمین چه ساکنین آن بلد و چه بلد دیگر واجب است. [کشف الغطا، ۱۳۸۱]

دفاع به خاطر جلوگیری از گسترش استیلای کفار: در صورتی است که گسترش سلطه و توسعه استیلای کفار بر بلاد اسلامی مورد خوف قرار گیرد [تحریرالوسیله ج ۱، ۴۶۵].
دفاع واجب است

دفاع به خاطر دفع خطر از طایفه ای از مسلمین یا کشورهای مسلمین: در صورتی است که یکی از دول یا طایفه ای از مسلمین مورد هجوم کفار قرار گیرد، دفاع بر همه مسلمین و

دولت های اسلامی واجب می شود [تحریرالوسیله ج ۱، ۴۶۶].

دفاع به خاطر جلوگیری از سلطه سیاسی و اقتصادی کفار: در صورتی که اجتماع اسلام در معرض سلطه سیاسی - اقتصادی کفار قرار بگیرد به طوری که منجر به اسارت سیاسی و اقتصادی مسلمین شود، دفاع از طریق مبارزه منفی و به هر صورت دیگر، واجب است [تحریرالوسیله ج ۱، ۴۶۶]

دفاع به خاطر حفظ جامعه اسلامی از تباهی، فساد و منکرات: هرگاه در جامعه اسلامی حیثیت و عرض مسلمین به طور مستقیم یا غیر مستقیم در معرض خطر قرار گیرد دفاع واجب است. [تحریرالوسیله ج ۱، ۳۸۱]

دفاع به خاطر تجاوز طایفه ای از مسلمین بر طایفه دیگر: هرگاه طایفه ای یا کشوری از کشورهای مسلمین بر طایفه دیگر به ناحق هجوم و تجاوز کنند دفاع ولو به کشته شدن طایفه ستم کار منجر شود، واجب است

دفاع به خاطر جلوگیری از خروج بر امام المسلمین و بر اندازی حکومت: در صورتی که جمعیتی یا کشوری به منظور بر اندازی حکومت هجوم کنند دفاع از حکومت اسلامی واجب است

دفاع به خاطر حفظ دین از انحراف و عمل نکردن به حدود الهی: هرگاه دین خدا در معرض خطر وهن و ضعف و انحراف قرار گیرد دفاع از آن به هر شکلی که میسر باشد واجب است

دفاع به خاطر دفع فتنه و فساد در هرکجای عالم که نسبت به مومنین روا می دارند: براساس آیات قرآن کریم جهاد در شرایع پیشین، مشروع بوده و بارها به رهبری انبیاء الهی، انجام شده است

در آیات ۱۴۶ تا ۱۴۸ از سوره آل عمران آمده است:

“و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله و ماضعفوا و ما استکانوا و الله یحب الصابین. و ما کان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین. فاتاهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخره والله یحب المحسنین”

بسا پیامبری که مردمان بسیاری از خداپرستان به همراهی وی به کارزار پرداختند و از آنچه (از سختی‌ها) در راه خدا به ایشان رسید سست و زبون نشدند و خدای متعال صابران را دوست می دارد. گفتار آنان جز این نبود که: پروردگارا گناهان و زیاده روی ما را بیامرز و

گام های ما را استوار دار و بر مردم کافر پیروزمان فرمای. خدای متعال به ایشان پاداش دنیا و آخرت عطا فرمود و خدا نیکوکاران را دوست می دارد
جهاد در هر دو صورت خود دارای ویژگی هایی است که آن را از دیگر جنگ ها (جنگ یا دفاع) متمایز می سازد.

جهاد و قتال در بسیاری از آیات مقید به "فی سبیل الله" شده است
علامه "طباطبایی" در ذیل آیه ۷۸ سوره حج می نویسد:
حق جهاد در این است که انسان در جهاد دارای خلوص باشد و جهاد، خالص برای خدا انجام گیرد و هیچ چیز در آن شریک نباشد [المیزان، جلد ۱۴، ۴۱۲].
جنگ مقدس در اسلام با پسوند "فی سبیل الله" از دیگر جنگ ها متمایز می شود.
"و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم" (بقره، ۱۹۰)،
"الذین امنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت" (نساء، ۷۶).

"سبیل الله" چیست؟ پیامبر گرامی اسلام (ص) پاسخ می دهند:
"من قاتل لتکون کلمه الله هی العلیا فهو فی سبیل الله" [مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ۳۹۲]

به بیان پیامبر اسلام (ص) قتال در راه اعلائی کلمه توحید قتال فی سبیل الله است.
و باید گفت که مرز بین مؤمنین و کفار در این است که ایمان آورندگان در راه خدا پیکار می کنند و کافران در راه طاغوت (نساء، ۷۶) و همین است که دفاع را مقدس و الهی می سازد.

نکته مهم در دفاع این است که بر هر مکلف بدون قید و شرط واجب است [تحریر الوسیله، ج ۱، ۴۸۴] و مشروط به اجازه امام معصوم یا مرجع تقلید نیست [استفتانات، ج ۱، ۴۹۲] و حتی پیرمردی که خیلی کار از او بر نمی آید باید برای دفاع آن قدر که می تواند شرکت کند [راه امام کلام امام، جنگ و جهاد، دفتر دوم، ۱۰] و زن و مرد هر دو در دفاع وظیفه دارند و در صورت نیاز جبهه ها اذن والدین شرط نیست [استفتانات، ج ۱، ۴۹۶] و این دفاعی است که عقل و اسلام هر دو با آن موافقتند. [صحیفه نور، ج ۱۹، ۱۳۵].
اهمیت جهاد به ویژه جهاد دفاعی برای ملت ها به گونه ای است که تداوم حیات آنان و نیز حفظ عزت و استقلال و منافع آنان در گرو آن است.

شهید "مطهری" می گوید: تا ملتی مجاهد است دیگران او را به حساب می آورند و

اجباراً رعایت انصاف را درباره اش می نمایند. اما ملتی که این خصیصه را از دست داد، دیگران برای او شخصیتی قائل نمی شوند و از هر گونه انصافی درباره اش مضایقه می کنند [مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ۵۲].

امیرالمؤمنین علی (ع) وقتی مردم را برای دفاع فرا می خواند می فرماید:
دشمن به شما تجاوز کرده و به کارزارتان فرا خوانده است. تنها دو راه را در پیش دارید: یا تن به خواری و ذلت دهید و یا شمشیرهایتان را با خون متجاوزان سیراب کنید [نهج البلاغه، حکمت ۲۲۵].

“امام خمینی” به عنوان یک فقیه جامع الشرایط می فرماید: هرگاه دشمن به سرزمین مسلمانان یا مرزهای آنان حمله آورد به طوری که ترس از بین رفتن اصل اسلام و جامعه اسلامی باشد بر همه مسلمین واجب است با هر وسیله ممکن به دفاع قیام کنند و در این راه از بذل جان و مال دریغ ننمایند... در این مورد حضور امام و اذن او یا اذن نایب خاص یا نایب عام امام شرط نیست. بلکه بر هر مکلفی و با هر وسیله ای و بدون هیچ قید و شرط دفاع واجب است [تحریر الوسیله، ج ۱، ۴۸۵]

و جوب دفاع تا آنجا مسلم است که اگر حکومت عدلی هم نباشد، نمی شود از آن تخلف کرد، بلکه باید به قصد دفاع از اسلام، به دفاع پرداخت و به علت حفظ حدود و نظام اسلام است که شارع مقدس نگاهیانی از مرزها را جزء عبادات مهمه قرار داده است. به خاطر اهمیت حفظ اجتماع اسلامی است که کارهایی که باعث نفوذ دشمن و استیلای آنان بر مجتمع اسلامی می گردد ولو در آینده ای دور جایز نبوده و حرام است

ضرورت حفظ حوزه اسلام تا آن جاست که اگر معلوم شود قتل و شهادت فعلی موجب بقاء اسلام می گردد جای تقدیه و تضحیه است، چنان که قصد کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش موید همین گفتار است [خرازی، ۱۳۶۸، ۱۰۳]

دفاع و دفاع مقدس دارای وجوه مشابه و نیز متمایزی هستند.

برخی از تفاوت های دفاع (به طور مطلق) و دفاع مقدس (در اسلام) را می توان چنین بر شماری کرد:

دفاع در سایر مکاتب بر اساس فطرت، تعلقات دنیایی و یا احساسات و عواطف (که در جای خود ارزش دارد) است اما در اسلام علاوه بر جنبه های فطری و غریزی توأم با هوشمندی و بر مبنای انتخاب عقلانی و به بیان دیگر بر اساس تکلیف شرعی است. وجوب دفاع به معنای آن است که مکلف در برابر خداوند مسوول است و در صورت عدم انجام

تکلیف مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد

دفاع در اسلام فی سبیل الله است. این ویژگی وجه تمایز عمده میان جهاد اسلام با سایر جنگ‌ها است.

صاحب المیزان در ذیل آیه ۲۴۴ سوره بقره می‌نویسد: ... وجوب جهاد را مقید به کلمه "فی سبیل الله" نموده تا توهم نشود که این وظیفه دینی برای جهانگیری و کشور گشایی است [المیزان، ج ۴، ۹۱]

در اسلام اهداف تعریف شده و بر اساس حقوق مشروع انسانی و الهی است جنگ در راه منافع دنیوی و غارت اموال سایرین و یا ارضای امیال نفسانی نه تنها جایز نیست بلکه مذموم است

جهاد دفاعی مقید و محدود به مقرراتی است که خداوند تعالی وضع نموده است. در اسلام باید‌ها و نبایدهایی وجود دارد که الزاماً بایستی رعایت شود. کلام امیرالمؤمنین (ع) در پاسخ به آنهایی که انتظار داشتند که امام هم مانند معاویه برای نیل به پیروزی مرزها را بشکند و این مرزشکنی را ناشی از هوشمندی و سیاست برتر معاویه می‌دانستند، بسیار گویاست. به خدا سوگند، معاویه از من هوشمندتر نیست لیکن او نابه کار، حيله گر و گناهکار است [نهج البلاغه، خطبه ۲۷].

"علامه طباطبایی" در ذیل آیه ۱۹ سوره بقره (و قاتلوا فی سبیل الله...) می‌فرماید:
 "قاتلوا فی سبیل الله" اصل حکم را بیان کرده و "لا تعدوا" نظم و محدودیت آن را متعرض شده و جمله "و اقتلوه هم" جهت تشدید و سخت گیری و "و لا تقاتلوه هم عند المسجد الحرام" محدودیت مکانی و "و قاتلوه هم حتی لا تكون فتنه" محدودیت زمانی آن را توضیح می‌دهد و آیه "الشهر الحرام" حکم قصاص در کارزار و کشتار و همانندی در رفتار و کردار را وضع می‌کند [المیزان، ج ۲، ۷۹]

در تفسیر "پرتویی از قرآن" در ذیل آیه ۱۹۰ سوره بقره آمده است:

هرگونه اقدامی که در تحت مقررات الهی و با نیت رضای خدا و به قصد اعلاء کلمه حق به عمل آید مرضی است و در غیر این صورت تجاوز از حد و مرز الهی و در واقع تعدی شمرده می‌شود [طالقانی، ج ۲، ۸۱]

یکی از وجوه تمایز جنگ در راه خدا از دیگر جنگ‌ها در این است که اصل بر انجام تکلیف الهی و کسب رضایت خداوند است و پیروزی و شکست ظاهری، مبنای اصلی و نهانی تصمیم‌گیری و اقدام نیست.

و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً [نساء، ۷۴]
وجه تمایز دیگر این است که مجاهد فی سبیل الله حتی در بدترین شرایط از نظر عدّه
و عدّه خود را تنها وضعیف نمی بیند زیرا خود را سرباز جبهه ای می‌داند که خداوند در آن
جبهه و صاحب، و به تعبیر امام خمینی، صاحب الزمان (عج) فرمانده آن است [صحیفه نور
ج ۱۶، ۱۳۴]

امیرالمومنین (ع) این قدرت روحی و شجاعت را (که ناشی از ایمان عمیق به خداوند و
وجود یقین کامل است) این گونه ترسیم می کند: به خدا سوگند اگر من به تنهایی با معاویه
و تمامی افراد لشگرش روبرو شوم و آنها از فرط انبوهی و فراوانی همه روی زمین را انباشته
سازند، بیم و هراسی نخواهم داشت [نهج البلاغه، نامه ۵۲]

این مساله تنها به عنوان یک باور توانمند ساز نیست بلکه در قالب امدادهای غیبی
نیز ظهور و بروز می‌یابد. قرآن کریم تنها به وعده امداد های خاص الهی به مومنان بسنده
نکرده بلکه موارد متعددی از آنها را گوشزد کرده است که می توان این موارد را به دو دسته
کلی امدادهای درونی، و امدادهای بیرونی تقسیم کرد و هریک از آنها دارای اقسام خاصی
می باشد:

تقویت روحی و روانی مومنان، و به تعبیر قرآن کریم "انزال سکینه در قلوب آنان [توبه
۲۶ و ۴۰ و ۴ و فتح ۱۸ و ۲۶].

کم نشان دادن تعداد مومنان و کافران در چشم یکدیگر تا کافران از میدان نبرد نگریزند یا
تمام نیروها و توان خود را به کار نگیرند و مومنان از کثرت آنان نهراسند [انفال، ۴۳ و ۴۴].
تضعیف روحیه کافران و به تعبیر قرآن "القاء رعب در قلوب آنان [آل عمران، ۱۵۱
، انفال، ۱۲، احزاب، ۲۶ و حشر، ۲]

همراهی جریان حوادث طبیعی با جبهه مومنان، مانند بارش باران در جنگ بدر که
از یک سوی، موجب نشاط رزم آوران اسلام و از سوی دیگر، موجب گل شدن زمین زیر
پای کافران که در موضع خاکی و نرمی قرار داشتند گردید و مانع سرعت حرکت آنان شد
[انفال، ۱۱] یا وزش باد شدید [احزاب، ۹].

فرستادن فرشتگان و نیرو های نامرئی به کمک مومنان (آل عمران، ۱۲۷-۱۲۴، انفال
، ۹ و ۱۲، احزاب، ۹)

ادبیات تاریخی تحقیق

پیروزی انقلاب اسلامی ایران زلزله ای بود که ارکان سیاسی و فکری غرب و شرق و نیز مرتجعین و دولت های دست نشانده منطقه را به لرزه انداخت. با سقوط خاندان پلید پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی نه تنها یکی از دو ستون استراتژی امریکا و بلکه مهمترین آن فروریخت، بلکه با احساس ترس از صدور انقلاب اسلامی و با احساس توانایی مسلمانان و وجود نشاط حاصل از انقلاب، حیات وابستگان به امریکا و کیان رژیم صهیونیستی در معرض خطر جدی قرار گرفت

برگزاری انتخابات شکوهمند ۱۲ فروردین، اشغال لانه جاسوسی امریکا، برکناری دولت موقت که نقطه امیدی برای غربی ها بود، تشکیل نهاد های انقلاب اسلامی، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و عقیم ماندن کودتای نوژه، امریکایی ها را بر آن داشت که با استفاده از بلند پروازی ها و خباثت صدام، زمینه های یک تهاجم نظامی را علیه انقلاب نو پای اسلامی طراحی کنند برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر پس از شکست کودتا گفت استراتژی امریکا در مقابله با انقلاب ایران باید تقویت دولت هایی باشد که توان انجام عملیات نظامی علیه رژیم [امام] خمینی را دارا باشند. [کودتای نوژه، ۱۳۶۷، ۳۷]،

صدام با استفاده از همین فرصت اعلام کرد که عراق آماده است تا برای دفاع از حاکمیت و افتخار خود دست به جنگ بزند. [خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۱/۲۱] و چنین بود که ارتش بعثی در روز ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۸ تجاوز گسترده خویش را در طول ۱۲۸۰ کیلومتر مرز مشترک با ایران آغاز کرد

امام خمینی (ره) در همان روز نخست ماهیت این جنگ و دو جبهه آن را مشخص کرد: ... "این جنگ، جنگ با اسلام است به هواداری کفر، و یک همچو جنگی بر خلاف رضای خداست و خدای تبارک تعالی نخواهد بخشید بر آن کسانی که - بر ضد اسلام - قیام کنند. بر ضد اسلام به واسطه همراهی با کفر، که هم خود صدام حسین به حسب حکم شرعی کافر است و هم این طرفدار کفار است، طرفدار کارتر است... طرف شدن با اسلام است و ضربه زدن به اسلام و ضربه زدن به پیغمبر اسلام است به طرفداری از کفر... جنگ با ایران، جنگ با اسلام است، جنگ با قرآن است، جنگ با رسول الله است و این از اعظم محرماتی است که خدای تبارک تعالی نمی گذرد از او... قیام این [صدام] نسبت به ایران، قیام کافر بر مسلم است و قیام لشگر کفر بر لشگر اسلام". [صحیفه نور، ج ۱۳، ۹۳ - ۹۲]

امام در پیامی در ۱۳۵۹/۷/۵ و در سخنرانی دیگری در ۱۳۵۹/۷/۸ مساله دفاع و هویت

اسلامی دفاع را چنین مطرح می‌نمایند: "شما [مردم ایران] برای حفظ اسلام دارید جنگ می‌کنید و او [صدام] برای نابودی اسلام. الان اسلام به تمامه در مقابل کفر واقع شده است و شما باید از اسلام پایداری کنید و حمایت کنید و دفاع کنید. دفاع یک امر واجبی است بر همه کس، بر هر کس که هر مقدار قدرت دارد باید دفاع بکند از اسلام" [صحیفه نور ج ۱۳، ۱۰۹]

این دیدگاه حضرت امام که منشا اسلامی و قرآنی داشت ترسیم‌کننده ریشه‌های جنگ، هویت و مشخصه‌های دو جبهه مقابل و مبین اهداف، اصول و ارزش‌های حاکم بر هریک از آنها بود. با توجه به ماهیت تهاجم و کفر صدام و با نظر به ماهیت دفاعی و اسلامیت رهبران، نظام و ملت ایران، مقابله با تجاوز ارتش بعث به عنوان دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی و نظام اسلامی بود و همین محتوا به مرور در قالب اصطلاح دفاع مقدس مطرح شد.

"امام خمینی (ره)" خود در موارد زیادی با همین تعبیر از جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کردند: "جنگ ما دفاع است، هجوم نیست و جنگ دفاعی از تکلیف‌های شرعی و وجدانی و انسانی همه است" [صحیفه نور، ج ۱۵، ۲۴۰]

"مسأله، مسأله معنوی است مسأله، مسأله ای نیست که ما می‌خواهیم جنگ بکنیم یا می‌خواهیم دفاع بکنیم. ما دفاع مقدس می‌خواهیم بکنیم یعنی ما می‌خواهیم از آبروی اسلام، از آبروی کشور اسلامی دفاع بکنیم. این یک دفاعی است که عقل و اسلام هر دو با آن موافقت همه می‌گویند که باید دفاع کرد" [صحیفه نور، ج ۱۹، ۲۶۰]

"ملت بزرگ ایران به پیروی از اولیای عظیم‌الشان اسلام این دفاع مقدس را آغاز نموده و در انجام آن و رسیدن به هدف‌های اعلای قرآنی جان و مال را داوطلبانه فدا کرده و آنچه وظیفه الهی بوده به طور شایسته انجام داده است" [صحیفه نور، ج ۱۹، ۲۷۶]

"از اهم فرائض است حفظ اسلام، یعنی حفظ اسلام از حفظ احکام اسلام بالاتر است اساس اسلام اول است. دنبال او اساس احکام اسلام است بر همه ما، بر همه شما به مقداری که قدرت داشته باشیم واجب است که جدیت کنیم در این که دفاع مقدس را به طور شایسته عمل کنیم." [صحیفه نور ج ۲۰، ۱۳]

اما رهبری امام (ره) و دفاع مقدس مردم قهرمان ایران اسلامی، رویای صدام را به خوابی پریشان و کابوسی هولناک مبدل کرد.

خبرگزاری یونایتد پرس در همان روز‌های اول چنین تحلیل کرد: "جنگ خلیج فارس که بیش از ۱۲ روز از آن نمی‌گذرد جمهوری اسلامی ایران را به جای آن که تضعیف کند،

تحکیم بخشیده است. [امام] خمینی این جنگ را به یک جهاد مقدس تبدیل کرده است و به نظر می‌رسد ایرانیان مجاهدینی شده‌اند که با ایمان علیه دشمن کافر متحدند این صدام است که از صلح و آتش بس صحبت می‌کند و نه مقامات ایران برای جنگ ثابت قدم مانده است و این به حساب مردمی است که خود را از رزمندگان جهاد یا جنگ مقدسی می‌دانند که مصالحه در آن گناه محسوب می‌شود" [اطلاعات، ۱۳۵۹/۷/۱۳]

واژه جهاد از دیدگاه علمای لغت یا از ریشه جهد به معنای وسعت، قدرت و طاقت است و یا از ریشه جهد به معنای سختی و مشقت گرفته شده است و در هر حال جهاد به معنای ایثار جان و مال در راه خدا و مبارزه و پایداری در راه دستیابی به اهداف والای انسانی و الهی است.

قرآن کریم در آیات متعدد از اذن الهی برای جنگ و قتال با ستمگران [حج، ۳۹]، و جوب جنگ با دشمنان [توبه، ۱۹]، فضیلت برتری جهاد و مجاهدین فی سبیل الله [توبه، ۱۱۱]، محبت خداوند به کسانی که چون سدی آهنین در راه خدا به جنگ می‌پردازند [صف، ۴] و از ارزش بی‌منتهای جهاد به عنوان معامله با خدا [میزان الحکمه، ح، ۲۶۶۹] سخن می‌گوید. اهمیت جهاد به گونه‌ای است که به گفته پیامبر گرامی اسلام (ص) "آن کس که جهاد نکند و یا حداقل آرزوی جهاد را در دل خود نداشته باشد یا فکر و اندیشه جهاد در قلبش نباشد با نوعی نفاق می‌میرد"

امیرالمومنین جهاد را بالاترین و شریف‌ترین اعمال پس از اسلام می‌داند که خداوند برای عزت اسلام واجب گردانید [نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲]
هم او می‌فرماید:

جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را تنها به روی اولیاء خاص خود می‌گشاید و آن، خلعت تقوا و سپر محکم اوست پس هرکس از آن روی گرداند، خدا جامه ذلت بر او پوشانیده، در بلا فرو افکند و خوارش می‌گرداند. [نهج البلاغه، خطبه ۲۷]
و در آخرین سفارش خود به فرزندان توصیه می‌نماید:

"خدا را، خدا را، در مورد جهاد با اموال و جان هایتان" [نهج البلاغه صبحی صالح]
"امام خمینی" با تشریح آیه ۲۴ سوره توبه، جهاد فی سبیل الله را در راس تمام احکام و حافظ اصول بر می‌شمارد. [صحیفه نور ج ۲۰، ۱۱۰]

جهاد در اسلام از آنجا که با هدف الهی و بنا به دستور خداوند و برای اجرای احکام او (اعم از توسعه دین خدا، رفع فتنه، دفع ظلم، دفاع و...) انجام می‌شود، فی نفسه دارای

ارزش است و مجاهد فی سبیل الله از جایگاه و ارزشی والا بر خوردار است [نهج البلاغه، خ ۵۵] که شاید نظیر آن یافت نشود.

ضرورت جهاد در حدی است که امیر المؤمنین (ع) با پرده برداشتن از واقعیتی تکان دهنده و طبیعی، چنین سخن می گوید:

“ کسی که از بر گرفتن سلاح سرباز می زند باید خود را برای زندگی زیر سایه سلاح آماده سازد ”

جهاد در واقع برای دفع تجاوز، رفع فتنه، مقابله با ظلم، حاکمیت دین خدا و دعوت به خیر و صلاح و سعادت است. جهاد یک فریضه همگانی است. اولاً واجب است، اگر دفاع باشد بر هر زن و مرد متعین می شود، در غیر دفاع با امر امام یا ولی امر به جدمن الکفایه بر همگان واجب می شود. در قرآن کریم عدم شرکت در جهاد، مگر در موارد خاص، به شدت نکوهش شده است [علامه طباطبایی]

با بررسی منابع دینی می توان به جمع بندی زیر رسید:

جهاد از ویژگی های خاص خود برخوردار است. برخی از این ویژگی ها عبارتند از:

۱ - مقید به چهارچوب فی سبیل الله است. جنگ مقدس و ارزشمند تنها برای خدا و در راه او انجام می شود.

۲ - مقید به حدود الهی است. جنگ در اسلام تابع خواست ها، اندیشه ها، سلاطین، و روحیات افراد نیست. “ماکیاولی” معتقد بود هر آنچه سلطان ضروری بداند عادلانه است، اما اسلام از باز گذاشتن دست ها، برای انجام هر آنچه که ممکن است، پرهیز دارد.

در بسیاری از موارد مسلمانان نباید آغازگر جنگ باشند. جنگ در مسجد الحرام و در ماه های حرام ممنوع است به حدود الهی نباید تجاوز صورت گیرد. در صورتی که مهاجمان از جنگ یا مقاومت دست کشیدند نباید مورد تعرض واقع شوند. التزام به پیمان ها در اسلام یک امر ضروری است

۳ - جهاد در واقع برای دفع تجاوز، رفع فتنه، مقابله با ظلم، حاکمیت دین خدا و دعوت به خیر و صلاح و سعادت است [طباطبایی]

۴ - جهاد یک فریضه همگانی است. اولاً واجب است. اگر دفاع باشد بر هر زن و مردی متعین می شود. در غیر دفاع با امر امام یا ولی امر و به حد من به الکفایه بر همگان واجب می شود. در قرآن کریم عدم شرکت در جهاد (مگر در موارد خاص) به شدت نکوهش شده است

۵- جهاد در اسلام، تابع توان مادی نیست، توان نظامی را در حد استطاعت باید افزایش داد، اما عدم توان عذری برای تسلیم و وادادگی نیست.

پیروزی در جنگ

علل بروز جنگ و اهداف آن می‌تواند متنوع و متعدد باشد، اما دستیابی به این اهداف تنها از طریق غلبه بر دشمن و یا جلوگیری از غلبه دشمن میسر است. به بیانی می‌شود گفت: که همه دولت - ملت‌ها با توجه به تعریف مورد قبول خویش، پیروزی در جنگ را به عنوان هدف برخوردار نظامی خود قرار داده و می‌دهند

"اِپْناهِیم" جنگ را غلبه بر طرف مقابل و اعمال شرایط دلخواه طرف پیروز می‌داند [ارفعی عالیه، ۱۳۷۱، ۴]

"کلاوزویتس" هدف از جنگ را وادار کردن حریف به قبول خواسته‌های خود ذکر می‌کند

برخی دیگر هدف جنگ را تحمیل اراده خود به دشمن تعریف کرده‌اند شاید بتوان گفت ادبیات جنگ با این هدف شکل گرفته است که رمز و راز برتری در نبرد را بیابد و تبیین نماید. برخی عوامل قدرت ملی را موشکافی کرده‌اند. بعضی قدرت نظامی را مورد بررسی قرار داده‌اند. گروهی اصول جنگ که از کالبد شکافی جنگ‌ها به دست آمده است را به عنوان کلیدهای پیروزی بر شمرده‌اند

اما در اسلام، پیروزی اولاً دارای معنای خاص است و ثانیاً مشروط به شرایطی، پیروزی مؤمنین و مجاهدین فی سبیل الله تضمین شده است که به طور مختصر به این موارد اشاره می‌کنیم البته ذکر این نکته لازم است که:

از دست دادن شرایط تحقق وعده الهی، موجب شکست در برابر دشمن و حتی خذلان و خواری می‌گردد. همچنان که در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران آمده است:

خداوند وعده خود را به شما (در غزوه احد) محقق ساخت. در آن هنگام که به فرمان او دشمنان را کشتید. اما این پیروزی ادامه داشت تا این که سستی بر شما عارض گشت و اختلاف در میان شما پدید آمد و آنگاه که آنچه را دوست داشتید به شما نشان داد، نافرمانی کردید و برخی از شما اراده دنیا و بعضی اراده آخرت داشتید، پس شما را از غلبه بر آنها باز داشت تا مورد آزمایش قرار گیرید." [آل عمران، ۱۵۹]

این آیه نشان می‌دهد که سستی، اختلاف و نافرمانی، زمینه‌های پیروزی و نصرت الهی

را از میان بر می‌دارد.

و اما برخی از موارد را که می‌توان به عنوان مبانی عقیدتی قطعیت پیروزی مومنین بر شمرده عبارتند از:

۱ - در قاموس قرآن دشمن اسلام:

- ذلیل‌ترین است (ان الذین یحادون الله و رسوله اولئک فی الازلین). [مجادله، ۲۰]
- کید او ضعیف است. قرآن کریم پس از آن که فرمان قتال با اولیاء شیطان را صادر می‌کند کید شیطان را ضعیف بر می‌شمارد [نساء، ۷۶]
- ضعف ذاتی دشمنان اسلام عامل برتر ساز نظام اسلامی خواهد بود.
- سرنوشت محتوم او شکست و نیستی است. [اسرا، ۸۱]
- به دست سپاه اسلام عذاب می‌شود. [توبه، ۱۴]

و اینها همه به معنای آن است که از آنجا که سمت و سوی حرکت رزمندگان اسلام سمت و سوی خلقت و در جهت حاکمیت اراده الهی است لامحاله پیروزی از آن حق است.

۲ - جهاد از دیدگاه اسلام دارای هدف، مبانی، سیاست‌ها و اصول و حتی روش‌های منحصر به فردی است که آن را از همه جنگ‌های دیگر متمایز می‌سازد.

اصولاً در جهاد معیار و ملاک و هدف، پیروزی یا شکست ظاهری نیست، بلکه ادای تکلیف و اطاعت امر الهی است. به همین دلیل است که کشتن و کشته شدن هر دو دارای ارزش است و غلبه کردن یا مغلوب شدن هیچ‌یک فی‌نفسه دارای اهمیت ذاتی نیست. اعتقاد همان است که امام خمینی فرمود: "کسی که برای خدا کار می‌کند شکست ندارد" [صحیفه نور، ج ۹، ۱۴۷]... "منطق، منطق صدر اسلام است. اگر بکشیم بهشت می‌رویم و اگر کشته بشویم بهشت می‌رویم، این منطق شکست ندارد. [صحیفه نور، ج ۵، ۱۴۴]

پیروزی و شکست عمدتاً در رابطه با میزان دستیابی به اهداف شاخص‌گذاری و معنا می‌شود و از آنجا که انجام جهاد و حدود و هدف آن به تمامی در چارچوب و دقیقاً منطبق با احکام الهی است. پرداختن به آن اعم از دستیابی به اهداف ظاهری جنگ خود پیروزی و موفقیت است چرا که با این امر خدا عبادت شده است و عبادت خدا هدف خلقت و مسیر نیل به بالاترین ارزشهاست

و از همین جهت است که به دست آوردن پیروزی با هر قیمت نه تنها ممدوح نیست، بلکه پای بیرون نهادن از حدود الهی هر چند از نظر مقیاس‌های دنیایی و معیارهای مادی

ارزشمند و پیروزی آفرین، در قاموس الهی گناه، جنایت و در نتیجه مذموم است. در واقع تصرف در حیات بدون مشیت الهی جز جنایت نام دیگری ندارد. [جعفری، ۱۵۷]

پیروزی و شکست تنها با جهت گیری مبارزه است که بار ارزشی پیدا می کند. اگر فی سبیل الله باشد دو نتیجه به ظاهر متضاد، تنها یک حاصل ارزشمند و خدائی را در پی خواهد داشت و آن نیل به هدف و پیروزی واقعی است که همانا رضایت خداوند و پاداش او است.

“اباعبدالله الحسین (ع)“ با عنایت به همین اصل است که با آن همه مصیبت پیروز تمام عیار نبرد روز عاشورا است.

قرآن کریم می فرماید:

“هر کس در راه خدا پیکار کند، کشته شود یا پیروز گردد به زودی پاداش بزرگی به او خواهیم داد.“ (نساء، ۷۴)

اطمینان از دستیابی به “احدی الحسینین” و عدم تفاوت گذاری بین پیروزی و شکست ظاهری به انسان، شجاعت، نشاط، قدرت تحمل ابهام و توان بالای ریسک پذیری می دهد. از نگاه و بر اساس مبانی اسلام اصولاً پیروزی تنها از جانب خدا است [آل عمران، ۱۲۶] و خداوند خود آن را برای جبهه ایمان تضمین فرموده است [مجادله، ۲۱] اما این بدین معنا نیست که سپاه اسلام از اندیشه ورزی در مسایل نظامی، تدبیر، سازماندهی، بسیج نیروی انسانی و یا فراهم ساختن سازویرگ نظامی و در یک کلام آمادگی جنگ فرو گذار نماید. کوچکترین سستی و یا بی تدبیری نه تنها موجب شکست ظاهری می شود بلکه بازخواست و مجازات الهی را در پی خواهد داشت.

پیامبرگرامی اسلام (ص) که خود هم مؤید به تمامیت تاییدات خداوند و هم باذن الله، مختار در تصرف در عالم و پدیده ها بود، همانند یک رهبر سیاسی پدیده های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داخلی و خارجی را زیر نظر داشت کانون های تهدید را به خوبی می شناخت. با توجه به نقاط قوت و ضعف و در چارچوب حدود الهی و با احاطه بر مقتضیات برای دستیابی به اهداف دین اسلام و نظام اسلامی، راهبردها را تعیین می فرمود، و در جهت اجرای آن برنامه ریزی می کرد.

تجزیه و تحلیل موضوع تحقیق

پیامبر اسلام (ص) مشابه همه فرماندهان پیش از جنگ به آمادگی می اندیشید و برای

تحقق آن تلاش می‌کند و در هنگامه نبرد اصول و فنون نظامی را رعایت می‌کند، برای اشراف اطلاعاتی بر دشمن از همه شیوه‌ها استفاده می‌کند، به فریب و غافلگیری به عنوان تدابیری اثربخش نهایت توجه را داشت، از زمین و عوارض زمین بهره می‌برد، به انگیزه و روحیه، بصیرت و آمادگی انفرادی سربازان اهمیت می‌داد و برای غلبه بر دشمن طرحریزی می‌کرد و تدبیر می‌فرمود.

از این رو پس از این که فرمان جنگ و قتال را از خداوند دریافت کرد. در اندیشه تهیه مقدمات لازم جهت مقابله با دشمنان بر آمد که این سیره ملهم از آیه کریمه قرآن است که می‌فرماید:

واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم (انفال ، ۶۰)؛

شما ای مؤمنان در مقام مبارزه با کافران آنچنان خود را مهیا کنید (آن حد از نیروی انسانی، تجهیزات و ابزار جنگ و سایر نیازهای یک نبرد پیروزمندانه فراهم کنید) که دشمنان خدا و دشمنان شما، جسارت تهاجم به شما را پیدا نکنند.

آیه فوق دستور آمادگی در مقابل دشمنان را با قوه بیان کرده است. این واژه نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌ها، اعم از مادی و معنوی را که به نوعی در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود اما توجه به فنون نظامی و داشتن ابزارهای لازم تنها راه پیروزی بر دشمن نیست، بنابر این علاوه بر این که لازم است، به عنوان یک وظیفه قطعی دینی، از پیشرفته‌ترین تسلیحات هر زمان بهره‌گیری کرد، باید به تقویت روحیه و ایمان نیروهای رزمنده پرداخت که قوه و نیروی ایمان مهمتر و کاراتر است. هرچه درجه ایمان سپاهیان اسلام بیشتر می‌شد، پیروزی آنان نیز افزایش می‌یافت.

یکی از نویسندگان با تحقیق پیرامون جنگ‌های پیامبر می‌نویسد:

«اصول جنگ که رسول اکرم (ص) در نبردهای خود از لحاظ نظامی به اجرا می‌گذاشت، اصولی اساسی برای تحقق پیروزی بود؛ لذا هدف در دعوت وی روشن و جنگ او بر این مبانی قرار داشت:

۱ - بسیج نیروها

۲ - صرفه جویی در به کارگیری آنان

۳ - استفاده از یورش ناگهانی

- ۴ - تکیه بر سرعت (که جنگ ضربتی را محقق می‌ساخت)
 - ۵ - استمرار فشار هنگام غزوات پی در پی و متصل به یکدیگر که بدون هیچ وقفه‌ای علیه دشمنان صورت می‌پذیرفت
 - ۶ - اجرای مانور با استفاده از امکانات و نیروهایی که فراهم آورده بود
 - ۷ - اهتمام به ایجاد امنیت برای نیروها
 - ۸ - تکیه بر استطلاع و استخبارات
 - ۹ - سازماندهی خودی
 - ۱۰ - اجرای همکاری بین جنگجویان و بین صفوف نیروهای عمل‌کننده در عمق با سواران، پیادگان و سایر صفوف و نیز بین جناح راست و چپ و قلب سپاه
 - ۱۱ - پراکنده نکردن نیروها
 - ۱۲ - تقویت روحیه سربازان خودی به گونه‌ای که آنان از مرگ نمی‌ترسیدند
 - ۱۳ - ایجاد امنیت در تمامی جبهه‌ها [وتر، ۱۳۷۴ ص ۸۷]
- امیر المومنین (ع) نیز چونان رسول خدا (ص) عمل می‌کرد.
- ابن خلدون می‌نویسد: اگر به علی (ع) بنگریم که چگونه یاران خویش را در جنگ صفین بر می‌انگیخت، بسیاری از رموز و فنون دانش جنگ را از آن خواهیم آموخت و در خواهیم یافت که هیچ کس از وی در آن دانش آگاه‌تر و بینا تر نبوده است. [ابن خلدون، ۱۳۵۹، ص ۵۲۸]
- آن حضرت برای جنگ با معاویه، در صفین، حدود ۱۵۰ هزار نفر جنگجو از مردم عراق را بسیج و با آرایش به سوی صفین حرکت کرد که بر مقدمه، جناح راست، جناح چپ، سواران و پیادگان، فرمانده منسوب کرد. قبایل را آرایش داد طرح مانور را معین فرمود و در هر مرحله تدابیر خود را به فرماندهان و سپاهیان ابلاغ نمود.
- ضرورت آمادگی در برابر دشمنان در آموزه‌های دینی بارها و بارها مورد تاکید قرار گرفته است.

فخذوا للحرب أهبتها و اعدوا لها عُدتها [نهج البلاغه صبحی صالح، ۳۶۳]

برای جنگ آماده و لوازم آن را تهیه کنید.

امام علی (ع) به مردم عراق که مورد تجاوز قرار گرفته بودند فرمود:

بادروا جهاد عدوکم [نهج البلاغه صبحی صالح، ۶۸]

“در جهاد پیش دستی کنید”

رَدُّوا الْحَجْرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ [نهج البلاغه، حکمت ۳۰۶]
سنگ را به همان جا که از آن پرتاب شده است، برگردانید. به درستی که شر، جز با شر
دفع نمی شود.

امام علی (ع) عزم و تصمیم قاطع بر نبرد با دشمن و پای واپس نکشیدن را از عوامل
بسیار مهم در جنگ می داند

"اگر ترس بر شما چیره شود دشمن شما را مورد حمله قرار می دهد و اگر شجاعانه به
پیش بروید پای گریزش آماده است. پس مصمم و ثابت قدم باشید تا حقیقت بر شما آشکار
شود." [نهج البلاغه، خطبه ۶۶]

اما نکته بسیار مهم این که موازنه قدرت در اندیشه و عمل رسول گرامی اسلام اساس
اقدام نبود و عدم توازن ظاهری مانع انجام تکلیف نمی شد. در واقع تصمیم گیری برای مقابله
با دشمن، تابع توان نیست. توان نظامی را در حد استطاعت باید افزایش داد اما عدم توازن
عدری برای تسلیم و وادادگی نیست.

آنچه امروز در میان استراتژیست های معاصر مرسوم و متداول است، توجه به موازنه
ظاهری قواست. این استراتژیست ها به هیچ وجه تجویز نمی کنند، قوایی مثل قدرت نظامی
یک کشور ضعیف تر با یک کشور بزرگ در حال معارضه و جنگ باشد، اما آیات سوره
انفال و آیات متعدد دیگر این حکم را دارد که مسلمانان هرگز نباید در شرایط عدم موازنه
ظاهری با قوای دشمن به چیزی جز ادای تکلیف بیندیشند، بلکه گاهی با دشمنی با دو برابر
نیروی خود و گاهی با ده برابر نیروی خود باید به دفاع برخیزند. جالب این که در بیشتر
جنگ های مسلمانان تعادل قوا به سود دشمن بوده است؛ نه تنها در جنگ های زمان پیامبر
مانند بدر، احد، احزاب و موه که در جنگ اخیر مسلمانان سه هزار نفر و دشمن یکصد و
پنجاه هزار نفر بود- بلکه در جنگ های بعدی پیامبر (ص)، نیز این تفاوت به نحو حیرت
انگیزی وجود داشت برای مثال تعداد نفرات ارتش آزادی بخش مسلمانان در جنگ با
سپاه ساسا نیان پنجاه هزار نفر بود در حالی که سپاهیان خسرو پرویز به پانصد هزار نفر
می رسید. [مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۶، ۲۳۹]

از دیدگاه اسلام جمعیت و میزان آن تعیین کننده نیست. قرآن کریم خود می فرماید:

ای بسا گروهی اندک بر سپاهیان فراوان به اذن الهی پیروز شوند. [بقره، ۲۴۹]

در این دیدگاه گاهی یک نفر بایستی در مقابل تمامیت دشمن با قامتی استوار و بدون

کمترین مصلحت اندیشی و هراس بایستند

در واقع اگر چه کمیت مهم است اما تفاوت کمیت میان مجاهدین و دشمنان اسلام با عناصر الهی تامین می شود

امام علی (ع) وقتی که خلیفه دوم با او در مورد جنگ با فارس مشورت کرد. فرمود: "یاری دادن به این امر یا وانهادن آن به فراوانی یا اندک بودن سپاهیان نیست. این کار دین خداست و خدا خود آن را پشتیبانی فرمود... اما این که درباره عدد آنها گفتی، در روزگار رسول خدا (ص) ما به اتکاء به کثرت و کمیت نیروی انسانی نمی جنگیدیم بلکه به یاری خداوند نبرد می کردیم". [نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶]

قُبات ابن اُسَیْمِ کَنانی بعد از غزوه بدر می گوید:

"من با مشرکان در جنگ بدر شرکت کردم. من نگاهی به کمی تعداد یاران محمد(ص) انداختم و به کثرت نفرات و اسب و شتر خویش می اندیشیدم، اما شکست خوردیم و من همراه گریختگان می گریختم و می دیدم که مشرکان به هر طرف می دوند با خود گفتم، من ندیده ام که در چنین تناسب نیرویی کسی بگریزد مگر زنان!" [فارسی، ۱۳۶۲، ۱۴۲]

نمونه های دیگر نیز گویای همین مطلب است سپاه اسلام با سه هزار نفر به سوی "موتَه" - نزدیکی شام - در حرکت بود تا از قاتل سفیر و فرستاده ی پیامبر خدا (ص) انتقام بگیرد. قشون دشمن (رومیان) حداقل مشکل از یک صد و پنجاه هزار نفر بود و به نقل از "واحدی" در کتاب "الْبَسِیْط" نفرات شرکت کننده ی رومی صد هزار نفر و نیز دستیاران سپاه روم، از اعراب (لخم و جذام) نیز صد هزار نفر دیگر بودند؛ چنان چه از کثرت نیرو های دشمن در این جنگ، شگفت زده شدی و به شک و تردید افتادی. واقعه "یرموک" را - که بسیار مشهور نیز هست - چگونه تفسیر می کنی که: تاریخ نگاران، تعداد کل نفراتی را که "هرقل" برای جنگ با مسلمانان فراهم آورده بود - و از افراد روم و شام و جزیره وارمینته بودند - بیش از دویست هزار نفر ذکر کرده اند؟ و چون، باز بیم شکست داشتند، به فرستادن نیرو های کمکی دیگری هم پرداختند؛ در حالی که کل نفرات سپاه توحید، بیست و چهار هزار نفر بود که سرانجام نبرد این دو سپاه نیز، کشته شدن تعداد ۷۰ هزار نفر از کفار بود" [نوری، ۲۰۰]

از نظر سلاح و تجهیزات نیز به همین گونه بود، لشگر اسلامی پس از پیروزی بر دشمن، امکانات به دست آمده از او را بر امکانات ناچیز خود افزوده و به سازماندهی آن می پرداخت. پیامبر(ص) هرگز با نیروی مادی دشمن به طور جمعی و کامل روبرو نمی گردید. بلکه به طرز مستقل با یکی از آنان مقابله کرده و سپس به سوی دیگر هجوم می برد

و این تاکتیکی بود که نیروها را به رشد طبیعی در زمینه‌های گوناگون می‌رسانید به گونه‌ای که غلبه بر نیروهای زیاد دشمن را با استفاده از زمان برای آنان ممکن می‌ساخت. لشگر ابتدا به جنگ بنی قینقاع پرداخت که امکانات لشگر اسلام با امکانات مورد استفاده در غزوه خیبر که پس از آن انجام شده و بر دشمن غلبه یافتند قابل مقایسه نبود و همین طور نیز در غزوه بر نیروی اسلام افزوده می‌شد. [مدیریت نظامی در نبرد ها، ص ۲۷۱]

مسلمانان در آغاز جنگ‌های خود، همواره از کمبود سلاح در رنج بودند، به گونه‌ای که در نخستین نبرد، یعنی غزوه بدر هر سه جنگجو با یک شمشیر می‌جنگیدند و هر سه یا چهار نفر یک شتر و تمامی جنگجویان این غزوه تنها یک یا دو اسب داشتند. البته این امر چندان طول نکشید و رسول خدا (ص) به علت اهمیتی که به امر تهیه سلاح مبذول داشت، این کمبود را تا حد زیادی بر طرف کرد. به هنگام محاصره ی بنی نضیر و بنی قینقاع، آن حضرت در خصوص مصادره سلاح‌های آنان هیچ مسامحه‌ای نکرد؛ لذا در این غزوه و در سایر غزوات و سرایا به سلاح‌های قابل توجهی دست یافت

دیری نپایید، پیامبر (ص) در فتح مکه نیروهای خود را چنان با سلاح‌های فردی و جمعی مجهز ساخت که برق سلاح و تجهیزات کتیبه یا یگان مهاجر و انصار، چشمان همه ناظران را خیره ساخت و باز هم چندی از رحلت رسول خدا (ص) نگذشته بود که لشکر اسلام به هنگام فتح مصر، همانند رومیان غرق در آهن و سلاح گشتند پروفوسور "کرباسک" آن سپاه را چنین توصیف می‌کند: "اعراب فاتحین مصر، زره پوشان سنگین وزن بودند با پیراهن‌های حلقه دار از شانه تا پاهای آنان و تورهای فلزی و تکه‌هایی از پارچه که از زیر کلاهخود آنان بیرون می‌آمد و گوش‌ها و گردن و گونه‌های آنان را می‌پوشاند، آنان کلاه خود‌های آهنین مخروطی شکل نیز بر سر گذاشته بودند" [قائدان، ۱۳۸۲، ۲۵۰]

دقت کافی در جنگ‌های رسول خدا (ص) این معنا را روشن می‌سازد، مثلاً در جنگ بدر مسلمانان پیروز شدند، با این که عده شان به سیصد و بیست نفر نمی‌رسید، آن هم در کمال فقر و نداشتن قوا و تجهیزات وعده کفار تقریباً سه برابر آنان بود، آن هم با داشتن عزت و شوکت و تجهیزات جنگی و همچنین در جنگ احد و خندق و خیبر و حنین که داستانش از همه عجیب تر بود و خدای تعالی جریان آنرا به بیانی که جای تردید برای هیچ اهل بحشی باقی نگذاشته بیان کرده و فرموده: و یوم حنین اذا عجبکم کثرت کمن فلم تعن عنکم شیئا و ضاقت علیکم الارض بما ربحت و لیتم مدبرین؛ تا آخر آیات این داستان و این آیات بر چند نکته دلالت دارد: اول این که اسلام هر قدر در زمان رسول خدا (ص) عزت و

شوکت ظاهریش بیشتر می شد قوای روحی و درجه ایمان و فضائل اخلاقی عامه مسلمین رو به کاهش می گذاشت و این تاثیر آن چنان محسوس بود که بعد از جنگ بدر به مدتی کم و یا زیاد این نقصان تا یک پنجم قبل از جنگ بدر رسید. همچنان که آیات بعد از ایه مورد بحث تا اندازه ای به این حقیقت اشاره نموده می فرماید: ما کان لنبی ان یکون له اسری حتی یثخن فی الارض تریدون عرض الله و یرید الآخره و الله عزیز حکیم لو لا کتاب من الله سبق لمسکم فیما اخذتم عذاب عظیم [طباطبایی، ج ۹، ص ۱۹۰]

استفاده بهینه و اثربخش از تسلیحات و تجهیزات هم همواره مورد نظر بود امیرالمومنین (ع) در این زمینه می فرماید:

“ برای ضربه زدن به دشمن حق شمشیر را آن چنان که شایسته است ادا کنید و دشمن را چنان ضربتی زدید که بر خاک فرو افتد. [نهج البلاغه، نامه ۱۶]

برخی از صاحب نظران معتقدند که به کارگیری اصول، احتمال پیروزی را افزایش می دهد. در غالب متون نظامی اصول جنگ را شامل اصل هدف، اصل آفند، اصل تمرکز، اصل صرفه جویی، اصل مانور، اصل وحدت فرماندهی، اصل تأمین، اصل سادگی و اصل غافلگیری برشمرده اند. اما در اسلام با توجه به همان مبانی پیش گفته، زمینه ها و عوامل برتر ساز را به گونه ای دیگر برشماری می کنند. البته ذکر این نکته لازم است که این همه به معنای عدم فراهم سازی علل و اسباب مادی مورد نیاز نیست، چرا که “ابی الله ان یجری الامور الا باسبابها” و خود به آمادگی همه جانبه آن هم تا آستانه استطاعت و در حد بازدارندگی فرمان داده است.

برخی از این عوامل عبارتند از:

ایمان

ایمان به خدا تضمین کننده پیروزی مؤمنین است

در آیه شریفه “لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین” عبارت “انتم الاعلون” قطعیت پیروزی مؤمنین را اعلام می دارد و به همین دلیل اندوه و سستی را بی جهت و بیهوده می داند.

ایمان به خدا، توانایی می بخشد؛ عزم را استوار و اراده را مستحکم و گام ها را ثابت و دل را سکینه می بخشد، ایمان قدرت تحمل را بالا می برد، به اهداف جنبه الهی و قدسی می بخشد و مفهوم و قواعد پیروزی و شکست را در هندسه دیگری تعریف می کند.

پیش از غزوه بدر پیامبر اسلام با مسلمین از نابرابری توان مادی خود و دشمن سخن

می گفت، مقدار برخاسته می گوید: "ای پیامبر خدا قلوب ما با شماست و آنچه را خداوند به تو دستور داده همان را تعقیب کن به خدا سوگند هرگز به شما سخن بنی اسرائیل به حضرت موسی را نخواهیم گفت که تو و پروردگارت بروید و جهاد کنید و ما در اینجا به انتظار می نشینیم بر خلاف آن می گوئیم در پرتو عنایات الهی جهاد کن. ما نیز در رکاب شما می جنگیم" [سبحانی، ج ۱، ۴۹۳]

اعتقادات در لشکر اسلامی به نیروها منبع و چشمه ای تقدیم می کرد که هیچ گاه روح معنویت در آنان نمی خشکید و برای اجرای تمامی اموری که به فداکاری (شهادت) و جهاد نیاز داشت به آنان نیرو بخشیده و امتیازاتی که یک جنگجو را به سوی معنویات قوی سوق می داد به امید دیدار دنیای دیگر تقدیم داشته و او را در مقابل انتخاب دو خیر، پیروزی با عزت یا شهادت و ورود به سرای جاویدان، قرار می داد. از این رو پدر و فرزند یکدیگر را کنار زده و به امید بهشت از یکدیگر سبقت می گرفتند.

در جنگ احد به رغم شایعه مرگ رسول خدا، شجاعانه می جنگیدند و این شجاعت آنان حاکی از عمق مسائل اعتقادی بود بعضی از نیروها برای حمایت از فرماندهی کل از یکدیگر سبقت گرفته و خویشان خود را در راه دفاع از اعتقادات خود می کشتند حبیب بن عدی در قبال برگشت از دین خود از مرگ استقبال کرد. بنا براین روح معنویت در لشکر اسلام همان عقیده بوده و از مهمترین اهداف پیامبر (ص) نیز یگانگی و تقویت این روح معنوی به شمار می رفت [مدیریت نظامی نبرد ها، ص ۱۳۸]

ارتباط میان آگاهی با پیروزی و عدم آگاهی با شکست که در آیه بدان اشاره شده حاکی است که مؤمنان به راه و هدف خود از جنگ با دشمنان اسلام اعتقاد و آگاهی عمیق دارند؛ از این رو، آگاهی آنان را ثابت قدم نگه می دارد و بیست نفر آنها با دویست نفر از کفار برابری می کند، از این رو وقتی افراد خود ساخته، ورزیده و قوی و با ایمان بسیار بالا همانند بسیاری از رزمندگان جنگ بدر در میان سپاهیان اسلام باشد نسبت بین نیروهای اسلام و دشمن ده برابر خواهد بود، ولی هنگامی که مسلمانان گرفتار ضعف زبونی و سستی شوند و در میان آنها افراد تازه کار و ناآزموده باشند، مقیاس سنجش نسبت دو برابر خواهد بود که این نسبت را خداوند در آیه دیگر بیان کرده است که به اعتقاد برخی مفسرین این آیه پس از فتح مکه نازل شده است [مجمع البیان، ذیل آیه ان یکن]

خداوند با ذکر وجود عنصر ایمان در جنگجویان پیامبر گرامی اسلام (ص) و نقش آن در پیروزی بر دشمن وعده داده است که اگر شما با جنگ و جهاد خداوند را یاری کنید،

خداوند نیز شما را یاری کرده و گام های شما را استوار خواهد کرد: یا ایها الذین امنوا ان تنصروالله ينصركم و یثبت اقدامکم [محمد ، ۷] خداوند در این آیه روی ثبات قدم تاکید می فرماید، چرا که ایستادگی در برابر دشمن مهمترین رمز پیروزی است [مکارم شیرازی ، ۱۳۶۷ ، ج ۲۱ ، ۴۲۶]

از نمونه های قدرت روحیه معنوی این که بعضی از رزمندگان حتی بدون زره در مقابل دشمنان حضور می یافتند، بعضی با وجود کمی سن با دشمن جنگیده و گروه دیگری به رغم کمی تعداد خود در مقابل سپاه انبوهی می ایستادند. عده ای از آنان اسب خود را پی می کردند و در این حال تا پای جان به جنگ می پرداختند. بعضی نیز به ترور کسانی که با گفته یا عمل خود نسبت به فرماندهی کل و مسیر انقلاب اسلامی نیت سویی داشته و ضربه می زدند اقدام می کردند [مدیریت نظامی نبرد ها ، ۱۳۸]

در اواسط غزوه بدر وقتی پیامبر گرامی اسلام قلت سربازانش را در برابر کثرت دشمنان می بیند، دست به دعا بر می دارد و بر همین اساس ضعف مادی موجود در جبهه اسلام با عنایت الهی و بنا به اراده او بر طرف می گردد و پیروزی حاصل می شود [آل عمران ، ۱۲۴ و ۱۲۶]

در داستان پیکار طالوت فرمانده بزرگ بنی اسرائیل با جالوت می خوانیم که مؤمنان اندکی که با او بودند هنگامی که در برابر دشمنان انبوه قرار گرفتند چنین گفتند :

رینا افرغ علينا صبرا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین ؛ (بقره ، ۲۵۰) پروردگارا صبر و استقامت را بر ما بریز و گام های ما را استوار دار و در برابر قوم کافر یاری فرما.
بصیرت

امیر المؤمنین می فرماید:
ان القتال لیس بالکثره بل بالبصیره (اعیان الشیعه، ج ۲ ، ۷۷)
براستی که مبنای پیروزی در جنگ نه افزونی در جمعیت که زیادتی در بصیرت است. ایشان مبنای جنگ در زیر لوای پیامبر اسلام (ص) را نیز بصیرت می داند [غررالحکم ، ج ۲ ، ۴۱۴]

دشمن شناسی و رصد کردن اقدامات دشمن به عنوان راهی برای دریافتن نیات و اهداف او از ضروریات است. امام به دفعات متعدد از بیداری و هوشیاری و به تعبیری به دلیل در کمین بودن دشمن به نخواستن امر می نماید.

او از خود به عنوان رهبری همواره بیدار و آگاه به دسایس دشمن نام می برد

“به خدا سوگند که همچون گفتار نیستم که شکارچی برای غافل نگه داشتن او، در طول زمان، نرم نرم بر زمین کوبید تا او به خواب خوش فرو رود، آن گاه صیاد کمین گرفته، بر او بتازد و او را به بند اندازد لیکن من پیوسته، تا روزگرم سر آید، با دستیاری آن کس که روی به حق دارد، آنان را که روی از حق گردانده اند به شمشیر می زنم و به مدد آن کس که شنوای سخن حق و پیرو آن است، سرکش ناباور را می رانم.” (نهج البلاغه، خطبه ۶)

برخورداری رزمندگان از فقه و فقاقت خصوصیتی است که مفسران با استناد به پایان آیه ۶۵ سوره انفال ضروری شمرده اند. که هرکس از این خصوصیت بیشتر بهره داشته باشد، در صف پیکار و جهاد نیز جای ممتازی دارد

فقه عبارت است از شناختی عمیق که مبنایی استوار داشته باشد و فقاقت، برخورداری از شناخت، به صورت مذکور است. پس مجاهد راستین اسلام علاوه بر شرایط دیگر از این خصوصیت نیز باید برخوردار باشد؛ زیرا پذیرش سختی‌ها و تحمل ناگواری‌ها و جلوگیری از لغزش در ورطه‌های هول و هراس، به هنگام انجام مسئولیت در خط استوار حق، زمانی برای مجاهد راستین اسلام میسر و آسان است که چنان شناخت عمیق و استواری برخوردار باشد. به دیگر سخن، باید شناختی عمیق داشته باشد از جوهره‌ی هستی، از مبدا کائنات عالم، از نقشی که ایفای آن به عنوان انسانی صاحب وجدان و اندیشه و ایمان بر عهده‌ی اوست، از این که سرآغاز کجا بوده است و سرانجام کجا خواهد بود و از آن چه در پهنه‌ی این محدوده سرآغاز و سرانجام به او سپرده شده است و باید در راه اجرای آن قبل از هر چیز تفکر عمیق و قبل از عمل، ایمان راستین و استوار داشته باشد و بالاخره با اتکا به این خصوصیات گام به میدان نبرد نهد؛ چرا که در این جا جنگ شخصی و اختلافات خصوصی مطرح نیست، بلکه جنگ بر سر ایمان و حفظ اصالت‌ها و ارزش‌های ایمانی مستحکم و مبتنی بر درک و دریافت و شناخت و تعقل، چیزی جز یک سلسله زد و خورد‌ها و کشتارهای بی معنا نخواهد بود [نوری، ص ۱۹۶]

مرحوم علامه طباطبائی می فرماید:

“و این که فرمود “ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مائتین” مقصود از کلمه “مائتین” دویست نفر از کفار است همچنان که در جمله بعد کلمه الف را مفید به کفار نمود و هم چنین در جمله “وان یکن منکم مائه” مقصود صد نفر صابر است که قبلاً کلمه “عشرون” را بدان مفید کرده بود.

و حرف باء در جمله “بانهم قوم لا یفقهون” سببیت را می رساند و ممکن هم هست

بای آلت باشد و هرچه باشد جمله را تعلیله می کند و این تعلیل متعلق به کلمه : "یغلبوا" است و معنایش این است که بیست نفر صابر از شما بر دویست نفر از کسانی که کافر شدند غالب می شوند و صد نفر صابر از شما بر هزاران نفر از کسانی که کافر شدند غالب می آیند و این غلبه به علت این است که کفار مردمی هستند که نمی فهمند.

و همین نبودن فهم کفار و در مقابل بودن آن در مؤمنان باعث شده که یک نفر از بیست نفر مؤمن بیشتر از ده نفر از دویست نفر کافر به حساب آید و در نتیجه آیه شریفه حکم کلی خود را روی همین حساب برده و می فرماید بیست نفر از آنان بر دویست نفر از اینان غالب است و سرّش این است که مؤمنان در هر اقدامی که می کنند اقدامشان ناشی از ایمان به خداست و ایمان به خدا نیرویی است که هیچ نیروی دیگری معادل آن نبوده و در برابر آن تاب مقاومت نمی آورد چون به دست آوردن نیروی ایمان، مبنی بر فهم صحیح است و همین فهم صحیح صاحبش را به هر خلق و خوی پسندیده ای متصف می سازد و او را شجاع و با شهامت و پر جرات و دارای استقامت و وقار و آرامش قلب و وثوق به خدا بار می آورد. چنین کسی اطمینان و یقین دارد به این که به هر تقدیر چه کشته شود و چه بکشد، برد با اوست زیرا در هر دو تقدیر پاداشش بهشت است و او در خود مصداقی برای مرگ به آن معنایی که کفار معتقدند و آن را نابودی می پندارند، نمی بیند.

بر خلاف کفار که اتکای شان همه بر هوای نفس و اعتمادشان همه بر ظواهری است که شیطان در نظرشان جلوه می دهد و معلوم است دلّهائی که همه اعتمادشان بر هوا و هوس است هرگز موفق نمی شوند و اگر هم احیاناً متفق شوند اتفاقشان دائمی نیست و دوامش تا جایی است که پای جان به میان نیاید و گرنه از آن جایی که مرگ را نابودی می دانند اتفاقشان مبدل به تفرقه می شود و بسیار نادر است که دلی بی ایمان تا پای جان بر سر هواهای خود پایدار بماند، مگر این که مشاعرش را از دست داده باشد و گرنه با احساس کمترین خطر از میدان در می رود مخصوصاً مخاطرات عمومی، به طوری که نشان می دهد از هر خطر دیگری زودتر این قبیل مردم را از پای در می آورد، مانند از پای در آمدن مشرکان در جنگ بدر که با کشته شدن هفتاد نفر همه فراری شدند، با این که عده شان هزار نفر بود و نسبت هفتاد با هزار تقریباً نسبت یک است به چهارده، پس فراری شدن ایشان در حقیقت به معنای فرار چهارده نفر از یک نفر است و این نیست مگر به خاطر فقه مؤمنان که خود علم و ایمان را در بر دارد و به خاطر جهل کفار که خود ملازم با کفر و هوا پرستی است. [المیزان، ذیل آیه ان یکن منکم عشرون...]

صبر

صبر خود داری از ناشکیبایی و از کف ندادن توان تدبیر است [المیزان، ج ۱، ۳۴۴] مفهوم مقاومت و ایستادگی در قران کریم با سه واژه صبر (با ۱۰۳ بار تکرار)، استقامت (با حدود ۱۰ بار) و ثبات آمده است تفاوت صبر و استقامت این است که صبر معنای وسیع تری دارد و در برابر معصیت، مصیبت و طاعت امر توصیه شده است استقامت تنها طاعت است و ثبات به عنوان ایستادگی و پایدردی ذکر شده است.

“علامه طباطبائی” در ذیل آیه شریفه “کم من فته قلبه غلبت فته کثیره باذن الله...” می فرماید “والله مع الصابرين” در پایان آیه نسبت به قید “باذن الله” به منزله تعلیل ان است. [همان، ج ۹، ۱۸۷]

در برخی آیات نیز با نهی از آفات مقاومت نظیر وهن، ضعف، استکانت (تضرع در مقابل دشمن) دعوت به ایستادگی شده است.

امام علی (ع) در نهایت پیروزی را متعلق به شکیبایان می داند “انسان شکیبیا هرگز پیروزی را از دست نمی دهد گر چه دستیابی به آن طولانی شود” [نهج البلاغه، حکمت ۱۴۵]

و به همین دلیل است که مؤمنان پایدار پاداش هزار شهید را دارند [المیزان، ج ۵، ۲۶۳] قران کریم صبر و تقوی را موجب بی اثر سازی توطئه دشمنان می داند [آل عمران، ۱۲۰] و همین دو عامل را زمینه ساز بهره مندی از امداد های غیبی ذکر می کند [آل عمران، ۱۲۵]

اهمیت صبر در کارها چنان است که امیر المؤمنین از آن به منزله سر برای پیکر تعبیر می فرمایند که با جدا شدن آن جسد و پیکر فاسد و نابود می شود (میزان الحکمه، ج ۱۰۰۶۴)

صبر لامحاله به پیروزی منجر می شود. امام صادق می فرماید:

الصبر یعقب خیرا فاصبروا نظفروا (بحار الانوار، ج ۷۱، ۱۶)

و پیامبر گرامی اسلام (ص) پیروزی را در همراهی با صبر می داند [بحار الانوار ج ۷۷، ۸۸]

دردرجه اول افزایش صبر را باید از خداوند تعالی استدعا کرد [بقره، ۲۵۰، اعراف،

۱۲۶] یقین به خداوند و عنایت او پایه و اصل و اساس صبر است. [غرر الحکم]

صدق

امام علی (ع) می فرماید: خداوند چون راستی و صداقت ما را دید خواری و مسکنت را نصیب دشمن فرمود و نصرت خویش را بر ما ارزانی کرد. (نهج البلاغه صبحی صالح، ۹۶)

راه جلب عنایت الهی و نصرت او ایمان به خدا و صداقت است همچنان که در قضیه بیعت رضوان فرمود: خداوند از مومنانی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند راضی و خشنود شد. خدا آنچه را که در درون قلب آنها نهفته بود می دانست از همین سبب آرامش را بر دل‌های آنان نازل فرمود و فتح نزدیکی را برای آنها مقرر نمود [فتح، ۱۸]

ذکر

ذکر در لغت یاد کردن و به یاد بودن است.

قرآن کریم در سوره انفال می فرماید: که هنگام رویارویی با دشمن ثابت قدم باشید و خدا را بسیار یاد کنید

یا ایها الذین امنوا اذ التقیمت فنه فائبتوا و ذکروا الله کثیرا (انفال، ۴۵)

رهنمود امام علی (ع) به سربازان خویش نیز دقیقا همین است.

در هنگام جنگ با دشمن خدا را بسیار یاد کنید. (نهج البلاغه)

یاد خدا باعث می شود که هدف جهاد برای رزمندگان اسلام زنده و تابناک بماند، حدود و احکام الهی بر رفتار و اعمال افراد حاکم باشد، پیوند رزمنده با مبدا حیات و با خدای عزیز و قادر مستحکم شود و رزمنده در برابر ناملایمات و دشواری های هنگامه نبرد، سکینه و آرامش یابد، الا بذكر الله تطمئن القلوب [رعد، ۲۸]

توکل

ریشه توانایی روحی و ظرفیت روحی برای برخورد با دشواری ها توکل بر خداوند تعالی است

امام علی (ع) می فرماید :

اصل قوه القلب التوکل علی الله؛ (غررالحکم، ج ۵، ۴۳۵)

توکل یعنی تکیه بر مستحکم ترین ستون عالم هستی برای مقابله با ضعیف ترین ذره های سست عنصر حیات.

توکل یعنی قرار گرفتن در حاشیه امن الهی در سخت ترین شرایط و واگذاری امور به خداوند بعد از تدبیر و تلاش ممکن

به همین دلیل است که فرموده اند :

توکل راه های سخت را آسان و ابزار لازم را برای موفقیت مهیا می کند [انفال ، ۴۵]

شهادت طلبی

ایمان به خدا و اعتقاد به معاد انسان را نیرومند می کند. ترس از مرگ را از دل انسان می زداید و بند از پای آدمی می گشاید و بر همین اساس است که رزمنده اسلام به مرگ لبخند می زند و خود به پیشواز آن می رود.

ترس از مرگ عامل همه ذلت ها، ظلم پذیری ها و تسلیم شدن هاست و نهرا سیدن از رفتن است که پایمردی و ایستادگی می بخشد. و این سلاحی است که تنها در اختیار موحدان است و دشمنان خدا به آن دسترسی ندارند.

احمدی الحسینی (توبه، ۵۲) سلاح منحصر به فردی است که اثربخشی و کارایی خود را در طول تاریخ اسلام و سایر نهضت های انبیا نشان داده است.

قران کریم در آیات متعددی مومنین را دعوت به جهاد با جان های خویش کرده است و حتی خداوند را خریدار آنفس آنان اعلام کرده است. [توبه ، ۱۱۱] وقتی کشتن و کشته شدن هر دو فوز عظیم است [همان]، اعتماد به نفس و ارتقای سطح روانی رزمنده، توانمندی و بی باکی خارق العاده ای به او می بخشد که او را در حد شکست ناپذیر مطرح می سازد. و مهمتر این که برتر از شهادت هیچ بری نیست و شهیدان نمی میرند و نزد خداوند متنعم به نعم الهی هستند. (آل عمران ، ۱۶۳)

کلام نورانی امام خمینی ناظر بر همین معنا است :

«ملتئ که شهادت را می خواهند، او را از چه می ترسانند؟ مردن برای آنها ترس دارد که قائل نیستند به ماورای طبیعت. کسانی که خدا را می شناسند، کسی که قیامت را اطلاع دارد برآن ، کسی که اعتقاد دارد به ماورای طبیعت، این از چه می ترسد؟ [صحیفه نور

ج. ۱۰، ۲۳۵]

وامیرالمومنین کسی است که هزار ضربه شمشیر را از مردن در بستر در غیر اطاعت خدا گوارا تر می داند. [نهج البلاغه ، خطبه ۱۲۳] و اگر زمین لبریز از دشمنان شود بدون کمترین هراسی با آن ها رویا روی می شود [نهج البلاغه ، نامه ۶۲] و انس خویش را با مرگ بیشتر از انس طفل با پستان مادر بر می شمارد [نهج البلاغه ، خطبه ۵] و هنگامی که در احد نگران عقب ماندن از قافله شهدا است از پیامبر گرامی اسلام (ص) می شنود که شهادت پیش روی اوست آن را از موارد شکر و مزده می داند. [نهج البلاغه ، خطبه ۱۵۶]

امدادهای غیبی

نزول فرشتگان [توبه، ۲۶، آل عمران، ۱۲۳، انفال، ۱۲] باد و توفان [احزاب، ۹] نزول باران رحمت الهی [انفال، ۱۱]، کم نشان دادن تعداد دشمن [انفال، ۴۴] نزول سکنه بر قلوب مؤمنین [توبه، ۲۶] و ایجاد رعب در دل دشمن [فارسی، انقلاب تکاملی اسلام، ۴۲۵] از مواردی است که در قرآن کریم آمده است و تاریخ اسلام از آنها حکایت کرده است. فرمانده لشکر خیبریان به علت ترسی که بر او غلبه یافته بود، هنگامی که تیر در کمان خود گذاشت، توان کشیدن آن را نداشت و نیروی او به سستی و ضعف رفته بود. میزان این ترس، چنان که یک بافنده یهودی امان داده شده به وسیله پیامبر گفته است: "اول این جا از ترس تو هلاک شدند"، آشکار می شود [مدیریت نظامی پیامبر، ص ۱۰۴]. یهودیان بنی نضیر به دلیل ترسی که از سپاه پیامبر (ص) داشتند، خانه های خویش را با دست خود و با دست لشکر اسلام خراب کردند. قرآن مجید در چهار مورد از القای ترس و رعب در دل دشمنان اسلام سخن گفته است.

وحدت کلمه و اتحاد

امیر المؤمنین علی (ع) می فرماید:

سوگند به خداوند که کسانی که با یکدیگر همراهی نکردند مغلوب هستند [نهج السعاده، ج ۲، ۶۰۵]. او که خود بارها و بارها طعم تلخ سست عنصری، تفرق و نا همراهی یارانش را چشیده است از تاثیر این عامل اختلاف و تفرقه شکوه ها دارد. حضرت پیروزی سربازان معاویه را به علت همبستگی و اتفاق آنها در باطل خود می داند [انفال، ۴۶]. خداوند کریم تنازع و اختلاف را در میان سپاه اسلام موجب فشل شدن و به تبع آن از دست دادن قدرت و صلابت می داند [بحارالانوار، ج ۴، ۲۵۵].

نتیجه گیری

برخلاف جنگ که درباره طبیعت، منشأ و علل آن اختلاف نظر فراوانی وجود دارد حق دفاع از خود از بدیهی ترین اصول مورد قبول همه اندیشمندان و بلکه همه انسان هاست به گونه ای که بسیاری از دانشمندان آن را فطری و ریشه آن را در سرشت آدمی می دانند.

راغب در مفردات دفاع را بازگرداندن، دور کردن و حمایت کردن معنا کرده است [مفردات راغب ماده دفع]. در حقوق بین المللی دفاع را تدبیری که برای مقاومت درمقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا تکنولوژیکی که توسط یک یا چند کشور مؤتلفه اتخاذ می شود تعریف کرده اند. به طور کلی موارد زیر به عنوان اهداف جنگ های اسلامی ذکر شده است :

- دفاع از جان مردم
 - دفاع از عرض و ناموس مردم
 - دفاع از منابع و استقلال اقتصادی
 - دفاع از استقلال سیاسی
 - دفاع از دین اسلام و مقدسات دینی
 - حمایت از مظلومان تحت سطره ستمگران
 - احقاق حق الهی و برداشتن موانع از سر راه هدایت توده ای ناآگاه
- اشکال و شرایط وجوب جهاد دفاعی را چنین ذکر کرده اند :

دفع خطر از بلاد اسلامی و حوزه اسلام به سبب هجوم کفار و دشمنان اسلام : هرگاه کفار اراده هجوم بر بلاد اسلامی را داشته باشند به طوری که اجتماع اسلام در معرض خطر قرار گیرد دفاع بر همه واجب است [کشف الغطا ، ۳۸۱].

دفع و بیرون راندن کفار از بلاد اسلامی: در صورتی که کفار بر بلاد اسلامی مسلط شده باشند دفاع بر همه مسلمین چه ساکنین آن بلد و چه بلد دیگر واجب است [کشف الغطا ، ۳۸۱]

دفاع به خاطر جلوگیری از گسترش استیلای کفار: در صورتی است که گسترش سلطه و توسعه استیلای کفار بر بلاد اسلامی مورد خوف قرار گیرد [تحریرالوسیله ج ۱، ۴۶۵]، دفاع واجب است

دفاع به خاطر دفع خطر از طایفه ای از مسلمین یا کشورهای مسلمین: در صورتی که یکی از دول یا طایفه ای از مسلمین مورد هجوم کفار قرار گیرد ، دفاع بر همه مسلمین و دولت های اسلامی واجب می شود [تحریرالوسیله ج ۱، ۴۶۶].

دفاع به خاطر جلوگیری از سلطه سیاسی و اقتصادی کفار: در صورتی که اجتماع اسلام در معرض سلطه سیاسی- اقتصادی کفار قرار بگیرد به طوری که منجر به اسارت سیاسی و اقتصادی مسلمین شود دفاع از طریق مبارزه منفی و به هر صورت دیگر، واجب است

[تحریرالوسیله ج ۱، ۴۶۶]

دفاع به خاطر حفظ جامعه اسلامی از تباهی، فساد و منکرات: هرگاه در جامعه اسلامی حیثیت و عرض مسلمین به طور مستقیم یا غیر مستقیم در معرض خطر قرار گیرد دفاع واجب است [تحریرالوسیله ج ۱، ۳۸۱]

دفاع به خاطر تجاوز طایفه ای از مسلمین بر طایفه دیگر: هرگاه طایفه ای یا کشوری از کشورهای مسلمین بر طایفه دیگر به ناحق هجوم و تجاوز کنند دفاع ولو به کشته شدن طایفه ستم کار منجر شود، واجب است

دفاع به خاطر جلوگیری از خروج برامام المسلمین و بر اندازی حکومت: در صورتی که جمعیتی یا کشوری به منظور بر اندازی حکومت هجوم کنند دفاع از حکومت اسلامی واجب است

دفاع به خاطر حفظ دین از انحراف و عمل نکردن به حدود الهی: هرگاه دین خدا در معرض خطر وهن و ضعف و انحراف قرار گیرد دفاع از آن به هر شکلی که میسر باشد واجب است

دفاع به خاطر دفع فتنه و فساد در هرکجای عالم که نسبت به مومنین روا می دارند. و اینها همه به معنای آن است که از آنجا که سمت و سوی حرکت رزمندگان اسلام سمت و سوی خلقت و در جهت حاکمیت اراده الهی است لامحاله پیروزی از آن حق است.

جهاد از دیدگاه اسلام دارای هدف، مبانی، سیاست ها و اصول و حتی روش های منحصر به فردی است که آن را از همه جنگ های دیگر متمایز می سازد.

اصول جنگ که رسول اکرم (ص) در نبردهای خود از لحاظ نظامی به اجرا می گذاشت، اصولی اساسی برای تحقق پیروزی بود؛ لذا هدف در دعوت وی روشن و جنگ او بر این مبانی قرار داشت

۱ - بسیج نیروها

۲ - صرفه جویی در به کارگیری آنان

۳ - استفاده از یورش ناگهانی

۴ - تکیه بر سرعت (که جنگ ضربتی را محقق می ساخت)

۵ - استمرار فشار هنگام غزوات پی در پی و متصل به یکدیگر که بدون هیچ وقفه ای

علیه دشمنان صورت می پذیرفت

۶ - اجرای مانور با استفاده از امکانات و نیروهایی که فراهم آورده بود

۷- اهتمام به ایجاد امنیت برای نیروها

۸- تکیه بر استطلاع و استخبارات

۹- سازماندهی خودی

۱۰- اجرای همکاری بین جنگجویان و بین صفوف نیروهای عمل کننده در عمق با

سواران، پیادگان و سایر صفوف و نیز بین جناح راست و چپ و قلب سپاه

۱۱- پراکنده نکردن نیروها

۱۲- تقویت روحیه سربازان خودی به گونه ای که آنان از مرگ نمی ترسیدند

۱۳- ایجاد امنیت در تمامی جبهه ها

اما نکته بسیار مهم این که موازنه قدرت در اندیشه و عمل رسول گرامی اسلام اساس اقدام نبود و عدم توازن ظاهری مانع انجام تکلیف نمی شد. در واقع تصمیم گیری برای مقابله با دشمن، تابع توان نیست. توان نظامی را در حد استطاعت باید افزایش داد، اما عدم توازن عذری برای تسلیم و ادادگی نیست آنچه امروز در میان استراتژیست های معاصر مرسوم و متداول است، توجه به موازنه ظاهری قواست. این استراتژیست ها به هیچ وجه تجویز نمی کنند، قوایی مثل قدرت نظامی یک کشور ضعیف تر با یک کشور بزرگ در حال معارضه و جنگ باشد، اما آیات سوره انفال و آیات متعدد دیگر این حکم را دارد که مسلمانان هرگز نباید در شرایط عدم موازنه ظاهری با قوای دشمن به چیزی جز ادای تکلیف بیندیشند، بلکه گاهی با دشمنی با دو برابر نیروی خود و گاهی با ده برابر نیروی خود باید به دفاع برخیزند جالب این که در بیشتر جنگ های مسلمانان تعادل قوا به سود دشمن بوده است؛ نه تنها در جنگ های زمان پیامبر مانند بدر، احد، احزاب و موته که در آن مسلمانان سه هزار نفر و دشمن یکصد و پنجاه هزار نفر بود، بلکه در جنگ های بعدی پیامبر (ص) نیز که رخ داد این تفاوت به نحو حیرت انگیزی وجود داشت برای مثال تعداد نفرات ارتش آزادی بخش مسلمانان در جنگ با سپاه ساسا نیان پنجاه هزار نفر بود در حالی که سپاهیان خسرو پرویز به پانصد هزار نفر می رسید. برخی از این عوامل عبارتند از: ایمان، بصیرت، صبر، صدق، ذکر، توکل، شهادت طلبی، امدادهای غیبی، وحدت کلمه و اتحاد.

برخی از صاحب نظران معتقدند که به کارگیری اصول، احتمال پیروزی را افزایش می دهد. در غالب متون نظامی، اصول جنگ را شامل اصل هدف، اصل آفند، اصل تمرکز، اصل صرفه جویی، اصل مانور، اصل وحدت فرماندهی، اصل تأمین، اصل سادگی و اصل غافلگیری برشمرده اند. اما در اسلام با توجه به همان مبانی پیش گفته، زمینه ها و

عوامل برتر ساز را به گونه ای دیگر برشماری می کند. البته ذکر این نکته لازم است که این همه به معنای عدم فراهم سازی علل و اسباب مادی مورد نیاز نیست چرا که "ای الله ان یجری الامور الا باسبابها" و خود به آمادگی همه جانبه آن هم تا آستانه استطاعت و در حد بازدارندگی فرمان داده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و ماخذ

۱. "فرشتگان خدا"، خاطرات سرهنگ عراقی احسان المقدادی، ترجمه حمید محمدی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۲. "هنر جنگ"، دانشگاه امام حسین (ع)، معاونت آموزش، ۱۳۷۵.
۳. ارفعی عالیه، محمود، "جنگ و صلح از دیدگاه حقوق بین الملل"، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱.
۴. اسداللهی، مسعود، "از مقاومت تا پیروزی"، موسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور، ۱۳۷۹.
۵. امام خمینی (ره)، "صحیفه امام"، موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
۶. امام خمینی، "صحیفه نور"، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.
۷. الامین، سید محسن، اعیان الشیعه، ترجمه کمال موسوی، کتابفروشی اسلامی.
۸. تقی زاده اکبری، "عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس (۱)"، باورهای غیبی و امدادهای غیبی، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۹. تقی زاده اکبری، علی، "عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس (۲)"، ارزش های اسلامی، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۰. التمیمی، عبد الواحد الامدی، "غررالحکم"، موسسه الاعلمی المطبوعات.
۱۱. جعفری، محمد تقی، "ترجمه و تفسیر نهج البلاغه"، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۳، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
۱۲. جنگهای پیامبر اسلام (ص)، مرکز بررسی و تحقیقات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳ جونز، وات، "خداوندان اندیشه سیاسی"، ترجمه علی رامین، انتشارات امیر کبیر ج ۲، ۱۳۵۸.
۱۴. رهبر، محمد تقی، "پژوهشی در تبلیغ"، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، "ترجمه تفسیر المیزان"، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۹، ۱۳۶۳.
۱۶. عبد الرحمن بن خلدون، "مقدمه ابن خلدون"، ترجمه محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۵۹.
۱۷. عزام، "یک ماه با قهرمانان"، مترجم عبدالاحد هاتف، کانون فرهنگی میهن، مشهد، ۱۳۸۰، ۶۳ و ۶۲.
۱۸. عزام عبدالله، "یک ماه با قهرمانان"، مترجم عبدالاحد هاتف، کانون فرهنگی میهن، مشهد، ۱۳۸۰.
۱۹. غفاری، فاطمه، "خدا می خواست زنده بمانی"، کتاب صیاد شیرازی، تهران، روایت فتح، ۱۳۸۴.
۲۰. فارسی، جلال الدین، "پیامبری و جهاد"، مؤسسه انجام کتاب، تابستان ۱۳۶۲.
۲۱. قائدان، اصغر، "سازماندهی نظامی و سازمان رزم و تحولات آن در تاریخ اسلام"، دانشگاه امام حسین

(ع)، ۱۳۸۲.

۲۲. لاف، جان، " عملیات شهادت طلبانه ، سلاحی استراتژیک " ، گاهنامه نهضت ، شماره ۲ ، بهار

۱۳۸۲.

۲۳. لندی اصفهانی، مهدی، " معبر (مجموعه خاطرات) " ، لشگر ۱۴ امام حسین نیروی زمینی سپاه ، چاپ

اول ، ۱۳۷۴.

۲۴. مجموعه مقالات اولین نشست بررسی دفاع مقدس ،

۲۵. محمدی ری شهری ، محمد، " میزان الحکمه ، مکتب الاعلام الاسلامی " ، چاپ دوم ، ۱۳۷۶.

۲۶. مکارم شیرازی، " تفسیر نمونه " ، انتشارات دارالکتب الاسلامیه ، تهران ، ۱۳۶۷ ، ج ۱۶.

۲۷. مکارم شیرازی ، " تفسیر نمونه " ، انتشارات دارالکتب الاسلامیه ، تهران ، ۱۳۶۷ ، ج ۷.

۲۸. ناپ ، رابرت ، " تبلیغات و جنگ روانی " ، ج ۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی